



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۷/۲۴

قاسم باز

ایا به نوشتن چندمقاله ضد و نقض، راست و دروغ

میتوان محقق و تاریخ نگار شد؟

جواب: ابداً نه

در پنج دهه اخیر یکتعداد قلم بدستان عقده بی مضامین و مقالات را در اخبار ، جراید ، وب سایت ها ، پروگرامهای رادیویی ، تلویزیونی و بعضاً به شکل رساله و کتب به نشر سپرده و هر ان چیزیکه دل نا ارام و پریشان شان خواسته راست و دروغ به روی سفید زیبا کاغذ تحریر و درج نموده و ان صفحه سفید کاغذ را سیاه ساخته و یا میسازند . خوشبختی در اینست که امروز به سپری شدن زمان الحمدالله یک عده فرزندان حقیقی عرض وجود نموده انها یک تعداد مقالات مغرضانه بعضی نویسندگان اماتور و دروغگو را تحت دید میکروسکوبی خود قرار داده نقد نموده.

هر دروغ بهتان و افترا تاریخ و هر نویسنده عقدی و مفتری محقق شده نمی تواند. مهمترین روبش در تاریخ نگاری بی طرفی نویسنده است ، هرگاه در تحقیق اغراض شخصی فرد یا افراد دخیل باشد ان تحقیق ، تحقیق نی بلکه بمانند یک داستان بی مفهوم بی ارزش و بی معنی تلقی میگردد.

در مورد محقق و تاریخ نگاری جناب داکتر سید عبدالله کاظم سابق استاد و ریس پوهنځی پوهنتون کابل چی زیبا فرموده!
« انواع عقده ها موجب میشود تا بیان حقایق تاریخی تحت الشعاع قرار گیرند و از مسیر اصلی منحرف شوند. متأسفانه بسیاری نویسندگان و محققان ما دچار این مشکل میباشند و اما باید بدانند که این کار بازی به تاریخ است.»
همچنان استاد جوان و پر انرژی جناب تمهید سیلانی. نیز در باره تاریخ و تاریخ نگاری، نویسنده و محقق چنین اظهار نظر نموده میگوید.

«... بررسی اعتبار منابع تاریخی یکی از اصول اساسی تحقیقات علمی است، زیرا نزدیکی زمانی یک نویسنده به رویداد، به تنهایی او را به شاهد عینی تبدیل نمی کند.»
هموطنان عزیز .

با گذاشت سپری شدن چندین دهه پر آشوب در کشور امروز بعضی افواهات و افتراهای بعضی نویسندگان عقده، اماتور، بی باک و بی مسولیت هسته هسته توسط یک عده فرزندان فرزانه وطن نقد میگردد. خوشبختانه به روشنی اوضاع اسناد و شواهد ان روایات افترا امیز فرسوده و خود ساخته بعضی نویسندگان و قلم بدستان اماتور نیز تغییر نموده و می نماید.
چارمثال عمده این گونه روایت ها دروغین و بی اساس امروز به روشنی اسناد و شواهد انکار ناپذیر ماهیت خود را از دست داده صرف بروی کاغذ باقی مانده، بطور مثال:

- ۱- یکی از این رساله ویا هم کتاب است بنام (داودخان د ک ج ب په لومو کی). که توسط یک صاحب منصب پولیس که عضو مخفی حزب دیموکراتیک بود تحریر یافته، میباشد.
- ۲- کتاب و مصاحبه های شخص بنام پیرزاده . فرد که مربوط به یکی از جناح احزاب اخوانی افغانستان است ذکر کرده میتوانیم.
- ۳- کتاب (دسایس و جنایات روس ها در افغانستان از امیر دوست محمد خان تا ببرک کارمل ، نویسنده نصری حق شناس جمعیتی متعصب زبانی و قومی) .
- ۴- مصاحبه های صوتی و غیر صوتی ، مقالات و کتاب بنام (جفا بزرگ) از شخص بنام "داود ملکیار" ، برادر زاده خانم "محمد هاشم میوندوال" . مربوط حزب دیموکرات ملی ؟مشهور به مساوات که در این اواخر به طبع رسانیده. اگر ضرورت بی افتد و لازم اقتید بالای ان بحث بیشتر خواهم نمود.

دوستان محترم .
ما در پنج دهه اخیر دیدیم که یک عده عقدیها راست و چپ ، شاه پرست و شکم پرست بالای کارنامه های ان شهید اتهامات غرض الود و دور از حقیقت ، کرامت انسانی و اسلامی به ان بزرگواربستند، از این جمله افراد شخصیکه خود را استاد علوم

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خبر و لولئ

سیاسی می شمارد بخاطر اینکه در زمان اقتدار دوره جمهوریت داودخان خیشاوندان شان از کار های بلند رتبه دولتی معزول شدند و برای وی نیز مقام و منزلت دولتی سپرده نشد امروز این استاد عقده یی قانون اساسی اسلامی دوران اولین جمهوریت افغانستان را قانون غیر اسلامی و کمونستی قلمداد میکند، شاعر هم در این راستا زوی کمی ننموده وی شخص محمد داودخان را طرفدار روس حتی کمونست و دست نشانده پرچمیان وانمود میسازد. افرادی دیگری نیز محمد داودخان را شخص قدرت طلب، متعصب، قومگرا، مسلمان غرب زده، فاشست و دیکتاتور معرفی میکند، عده وی را همکار و یار ببرک کارمل، یاد نمود. درحالیکه حقیقت چیزی دیگری است.

خوانندگان حقیقت جو:

انقدر که ببرک کارمل به دربار سلطنتی نزدیک و در تماس بود وی به جمهوریت داودخان نبود، در این مورد گفتار شخص محمد داودخان در ملاقات که انهم به خواهش ببرک کارمل ترتیب شده بود بحضور داشت داکتر حسن شرق، داودخان در جواب فرمایشات ببرک کارمل به وی چنین گفته بود.

« خدا کند به سلطنت وفادار بمانی از اینکه بخانه من امدی تشکر میکنم، خدا حافظ. »

هكذا در مورد این ملاقات در کتاب عبدالوکیل وزیر خارجه زمان دوران داکتر نجیب الله بنام (از سقوط سلطنت پادشاهی تا سقوط جمهوری دیموکراتیک) و همچنان در کتاب (کرباس پوشان برهنه پا) اثر داکتر حسن شرق اشاراتی صورت گرفته ان گفته های داودخان ثبوت ادعا ماست.

اگر به یک ملاقات سیاسی انهم عرض تبادل افکار در مورد موضوعات اجتماعی و سیاسی کشور برای بهبود اوضاع کشور بین دو فرد مهم و سیاسی کشور رد و بدل شود ایا اینگونه ملاقاتها و مباحثات سیاسی و اجتماعی، شخص را همکار شخص دیگر ساخته یا میسازد. پس اگر اینگونه ملاقات ها را بمعنی یاری و همکاری تلقی کنیم پس این نوع ملاقات های سیاسی بین شهید محمد داودخان و محمد هاشم میوندوال، همچنان ملاقات محمد هاشم میوندوال به رهبران احزاب خلق و پرچم، دلالت به یاری و همکاری میوندوال به سرکرده های حزب دیموکراتیک میکند.؟؟؟؟ اگر به دیدن یک بار داودخان به نور محمد تره کی، محمد هاشم میوندوال، منهای الدین گهیخ، محمد امین واکمن، عبدالمجید کلکانی و دیگران ایا محمد داود یار و همکار آنها میگردد. ایا دیدارهای علنی و مخفی محمد هاشم میوندوال که به رهبران حزب دیموکراتیک خلق بخاطر هماهنگ ساختن پروگران و پلان ترتیب دادن مظاهرات پوهنتون و جاده یی (خیابانی) با چندین بار ملاقاتها خصوصی و شب نشینی شبانه روزی یار و همکار میشود.؟؟؟؟.

ما در پنجاه سال گذشته افترا و تهمت های زیادی که یک تعداد مخالفین سیاسی محمد داود خان که بالا وی وارد نموده شنیدیم و میشنویم، دروغگویان حرفوی وی چطور و به چی نیرنگ ها و شعبده بازی های طفلانه قضیه جنایی قلعه زمانخان که از زمان صدارت داکتر عبدالظاهرخان صدراعظم شروع شده بود و ان قضیه جنایی در زمان سالهای اخر جمهوریت داودخان کشف شد اینها انرا بنام کشتارگاه داودخان مسما ساخت و بالای جمهوریت و شخص داودخان تهمتهای بی باک بستند. این مقتریان مسلکی از ملاقات اخری داودخان و لیونید بریژنیف از یک زاغ صد زاغ ساختند، انها از سفرهای رسمی محمد داود خان به کشورهای عربی که انهم ان سفرهای رسمی بخاطر بدست آوردن کمک های اقتصادی برای تکمیل نمودن پلان هفت ساله صورت گرفته بود به چی شد و مد سبوتاژ میکردند. این تهمت سرا ها مشهورشهرکابل از سفرهای دوستانه داودخان به پاکستان و ایران چی سناریوهای دروغین نبود که نه ساختند، همچنان این قلم بدستان اماتور به مخالفت و ضدیت داودخان که به پاکستان و ایران داشت مخالفت کردند و زمانیکه که داودخان خواست مناسبات دولت افغانستان را به ان کشورها بهبود بخشد اینها انرا نیز سبوتاژ میکردند.

خوانندگان محترم.

اگر موجودیت چند فرد اعضای مخفی حزب دیموکراتیک در تحول ۲۶ سرطان گناه کبیره و غیر قابل بخشیدن باشد پس موجودیت این افراد نظامی ارود اعضای حزب دیموکراتیک در قطعات مهم اردو و دولت شاهی انوقت گناه نه بود؟؟؟؟. ایا سهم و عضویت طرفداران ببرک کارمل از قبیل نعمت الله پژواک در کابینه صدارت محمد موسی شفیق در اخر سلطنت محمد ظاهر شاه بحث وزیر داخله و عضویت محمد خان جلالر بحث وزیر مالیه در کابینه صدارت محمد موسی شفیق و همچنان داشتن موقف و مقام عالی دولتی جیلانی باختری بحث ریس عمومی احصایه در اورگانهای دولتی انوقت چی معنی را می رساند و این انتخاب گناه محسوب نمی شود ؟؟؟؟، ایا ملاقات محمد موسی شفیق به ببرک کارمل دلالت به یاری، رفقات و همنظری بین محمد موسی شفیق و ببرک کارمل ریس حزب پرچم چی تصور را خلق و بوجود آورده بود.؟؟؟؟، ایا این گونه ملاقاتها صواب دید بود یا گناه؟؟؟؟.

بلی: دروغگویان بی مسولیت.

انهایکه به فرمایش و اشاره روسها در عقیم ساختن پلان صلح ملل متحد به حزب پرچم و روسها سازش کرد و انها به سواری تانک های، نظامی عبدالرشید دوستم، محمود بریالی، عبدالحمید محتاط، عبدالوکیل، فرید مزدک، کاویانی وووو، تکیه به اخذ قدرت سیاسی کشور بخصوص کابل پایتخت افغانستان زدند گناه تلقی نمیشود.؟؟؟ همچنان انهایکه به همکاری جنرال محمد اسلم وطنجار، جنرال محمد رفیع، جنرال شهنواز تئی، جنرال سید محمد گلابزوی پاکتین، سلیمان لایق، جنرال اصف شور، جبار قهرمان منوکی منگل ووو به دروازه های ارگ و وزارت داخله رسیدند گناه و جفا به ملت از دیخوا افغان محسوب نمی شود.؟؟؟ همانگونه انهایکه فریاد میزدند ما به نوکران سپاه امریکا، ای ایس ای پاکستان، سپاه پاسداران ایران، اشتی ناپذیر ایم سر میدیم سنگر نه، انها اشتی پذیر نشدند؟؟؟؟، بلی که شدند. انهایکه سایه روس و امریکا، پاکستان و ایران را به سنگ میزدند بلاخره در اغوش بی رحم انها نه خوابیدند؟؟؟.

پس ای سروران عزیز من.

من تا همین دم که این نیشته را مینویسم یک چوراهد پولدار اخوان ناتویی و یا هم یک وطنپرست پلاستیکی ، مصنوعی دیموکراتیکی فاقد عشق به وطن و مردم افغان ندیدم ، که به مصیبت زندگان حواث طبعی و محیطی چند سال گذشته افغانستان کمک مالی، انسانی و یا هم بشر دوستانه نموده باشد، اینست معیار اسلامی جهاد و بشر دوستی دیموکراتیکی ما افغانها و خراسانیان سمرقندی کولابی.

هموطنان گرامی:

نمی دایم چرا یک عده افراد چیز فهم از قبیل دانشمندان ، شاعران ، ادیبان در این اواخر تنزیل شخصیت نمودند هر دروغ هر افترا را در جامه حقیقت قبولدار و به ان همصدا میشود. من به انعهه افراد دروغگو مفتیری و تهمت پرداز بی مسولیت بصدا رسا میگویم که بس است دیگر دل تان را به این ملت بسوزانید و دست ناپاک و دروغین تا ترا از سر انها دور سازید ، شما افراد نیستید که ملت سر تان حساب کند. شما منافع شخصی تانرا به منافع ملی ترجیح داده اید. تا دیروز سرما طلب را قهرمان میساختید ولی امروز که انها بشما مقام و منزلت نداد شمشیر های زنگ زده تانرا از غلاف کشیده و بالا ان سر، اندام و صورت ما را، بند به بند قطع میکنید . افرین به این دوستی و سمیتی های تکتیکی شما، خوب میدانم ان اشک های تمساحی که چند سال قبل می رختانیدن اشک تمساح شما برای موقف ، مقام ، چوکی و قدرت دولتی بود نه بخاطر علاقه و عشق ب مردم و کشور افغان، شما در وقت و زمان اقتدار اولین جمهوریت کدام کاره مهم دولت، انهم در سکتور سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نبودید. که از همه اجرات پلانها مسایل و موضوعات روز مره ملی و بین المللی ان وقت اکاهی لازم از همه اجرات دولت جمهوری انزمان نداشتید که امروز قضاوت عادلانه میکردید.

عزیزان من .

امروز داوری من و شما و همچنان از بعضی مخالفین نورمحمد تره کی در باره تره کی با داوری و شناخت که فقیر محمد فقیر ریس دفتر تره کی از کارکردهای تره کی داشت زمین و آسمان فرق دارد ، داوری و معلومات من و شما و بعضی مخالفین داکتر نجیب الله از اسحاق توخی در مورد داکتر نجیب الله کهکشانهای فرق دارد، همچنان قضاوت و داوری من ، شما و هیواد مل در مورد حامد کرزی و عیناً نظر من و شما و مخالفین داکتر اشرف غنی از محمود فضلی در حصه کارکردهای داکتر اشرف غنی فرسنگ ها فاصله دارد.

و بلاخره اخر کلام : « اوس ماته غور شي .» پس هر جفنگ هر تهمت و هر افترا تاریخی ، تاریخ شده نمی تواند . امید وارم کسانی تاریخ را بنویسد که صلاحیت علمی و اکادمیک معلومات علمی و تاریخی داشته باشند بمانند کاندید اکادمیسین اعظم سیستانی ، داکتر صاحب سید عبدالله کاظم ، نه پیرزاده اخوانی ، نه عبدالغنی صافی دیموکراتیک نه نصیری حق شناس و نه هم داود ملکیار که تاریخ را مانند ادعا دروغین مصاحبه خانم گلالی عمر داود، را بخور مردم داده. هر مفتیری بینظیر تاریخ نگار و محقق، و هر دشنام گر فتح خان شده نمی تواند . وسلام.

**ته می وژنه د قصاص اندیپینه مهکړه
د خپل خون په تور به ونیسم یوبل څوک.**

(خوشحال خان خټک)

